



کتابخانه جامعہ

پوسٹ بین وارونہ
پیاد کلہر

www.ketab.ir

سر شناسه	: کلهر، پیام، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: به کجا می‌رویم: پوستین وارونه / پیام کلهر.
مشخصات نشر	: تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۶ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: 978-964-476-202-4
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ۱۵۱ - ۱۶۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: جامعه‌شناسی اسلامی
موضوع	: انسان (اسلام)
ناسه افزوده	: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
راستی‌گروه	: ۱۳۹۴ ب۹ ک۸ / BP۲۳۰
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۱۹۶۸۴

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

دفتر مرکزی: پاسداران میدان ۹، خیابان شهید افتخاریان، کوچه مریم، پلاک ۲۳. تلفن: ۲۲۹۳۶۱۴۰

به کجا می‌رویم: پوستین وارونه

نویسنده: پیام کلهر

ویراستار ادبی و بازخوان نهایی: ابراهیم حقیقی صفحه‌آرایی: مرتضی ندیری

چاپ اول: ۱۳۹۴

این کتاب در ۱۲۰۰ نسخه در چاپخانه کانونچاپ، لیتوگرافی چاپ و جفایم شد.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۷۶-۲۰۲-۴

بهاء: ۱۱۰۰۰۰ ریال

مدیریت پخش و توزیع: تهران، خیابان فردوسی جنوبی، روبروی فروشگاه شهر روستا بین‌بست هنر،

بین‌بست اول، پلاک ۵ و ۴ - تلفن: ۳۳۹۲۰۳۰۷ - ۳۳۹۱۲۳۵۵

فروشگاه‌ها و مراکز پخش:

- فروشگاه شماره یک: تلفن: ۶۶۴۶۹۶۸۵
- فروشگاه شماره دو: تلفن: ۳۳۱۰۰۲۸۸
- فروشگاه شماره سه: تلفن: ۲۲۸۵۵۱۶۴
- فروشگاه مشهد: تلفن: ۲ - ۳۲۲۱۴۸۳۱ - ۰۵۱
- نمایندگی فروش قم: تلفن: ۳۷۷۳۶۵۱۶ - ۳۷۷۳۸۱۵۰ - ۰۲۵
- نشانی الکترونیک: www.daftarnashr.com ■ پست الکترونیک: print@dnfpub.com
- پیامک: ۳۰۰۰۴۸۵۰

خواهشمند است نظرات خود را درباره این کتاب با ذکر نام آن به صورت پیامک ارسال فرمایید.

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۴	تخلیه از خربشته
۲۱	ماهیت انسان
۲۳	کیمیای زهر و مار
۲۵	روشنفکر فریب‌خورده
۲۸	قرآن و طرح مسئله استعمار
۳۴	دیالکتیک سوردل و اثرات آن
۳۸	جاهلیت دوم
۴۳	اعتراف به گناه
۴۶	احیاگران اسلامی و نقش آنها
۴۹	اما افسوس
۵۳	بازگشت به خویشتن
۶۱	خویشتن گم‌شده در تاریخ
۶۷	جهان‌آگاهی
۶۹	نقص در فهم
۷۲	اصل امامت
۷۳	همدستی غرب و شرق در محو امامت

۷۸	تقابل حق و باطل
۸۱	انحراف از خط قرآن
۸۷	تاریخ اسلام در یک نگاه
۹۹	نقش ائمه در شکوفایی تمدن اسلامی
۱۱۱	مول تمدن اسلامی - عوامل داخلی
۱۲۴	افول تمدن اسلامی - عوامل خارجی
۱۳۴	آخرین حربه دشمن
۱۳۶	نتیجه گیری
۱۳۸	پی‌نوشت
۱۵۱	منابع
۱۶۳	اعلام

www.ketab.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّمَا نَسْنَأُ رَبَّنَا بِأَنَّ قَوْمَنَا سَئِئًا مَّا يَفْعَلُونَ

بنداهن سناشت هیج قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آن‌ها در خردشان است تغییر دهند.^۱

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً حَنِيفًا

ابراهیم (به تنهایی) امت بوده لیع فرمان خدا؛ خالی از هرگونه انحراف.^۲

تغییر یک جامعه، منوط به تغییر افراد آن جامعه است؛ به معنی دیگر، عامل محرک تاریخ، اراده انسان‌هاست و بر اساس یک سنت لایتغیر الهی، هرگونه تغییر برونی، متکی به تغییر درونی ملت است. قرآن در این دو آیه، چنان اصلاتی به انسان می‌بخشد که «فر»، نهایت تکامل روحی و ارتقاء وجودی خود را، که حاصل از تحمل بار سنگین

۱. رعد، ۱۱. آیه مشابه دیگری نیز در قرآن داریم که مبین ارتباط تغییر درونی و برونی یک جامعه است: ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَنْ يَغْفِرَ لِقَوْمٍ أَعْمَىٰ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا بَدَّلُوا قَوْمَ اللَّهِ وَلَوْ كُنُوا مِنْهُمْ قَوْمًا يَتَذَكَّرُونَ (تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آن‌ها خودشان را تغییر دهند (انفال، ۵۳)).

۲. نحل، ۱۲۰.

امانت الهی و رساندن آن به سرمنزل مقصود است، در حد جامعیت یک امت می‌بیند و طبق آموزه‌های فلسفی، فرد با کلیت خویش برابر می‌شود و از طرفی، تأثیر متقابل آن دو، فرد و امت (جامعه)، را به حقیقت درک می‌کند و به وضوح می‌بیند که اگر افراد جامعه، خواهان رشد و تعالی جامعه خود، در دو حوزه مادی و معنوی، باشند و این خواسته را از قوه به فن درآورند و «بر طریقه ایمان استقامت ورزند»، بنابر آیات فوق که به شکل قانون‌هایی سرنوشت‌ساز و حرکت‌آفرین مطرح شده و از پایه‌ها و اساس در مباحث جهان‌بینی و جامعه‌شناسی در اسلام محسوب می‌شوند، از آن‌ها گواها، که در حقیقت همان وفور نعمت‌های مادی و معنوی است، مستمع خواهند شد.^۲

وَأَنْ لَّوِاسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛

اگر آنها بر طریقه ایمان استقامت ورزند، ما آنها را با آب فراوان و خوش‌گوارا سیراب می‌سیم.^۳

بدین ترتیب، جامعه از تمام آنچه که موجب سعادت آن است، محفوظ خواهد شد و جامعه، همان امت ایدئال قائم خواهد بود - که در برهه‌ای از زمان، در عصر رسالت مدنی، بروز و ظهور در امتی که خداوند ساخت آن را به خود ما واگذاشته؛ امتی که به مردم جهانیان، الناس، است:

۱. وَأَنْ لَّوِاسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ (جن، ۱۶).

۲. طبق آموزه‌های دینی، هم فرد دارای اصالت است و هم جامعه؛ بدین معنی که هم رشد و تعالی فرد بر جامعه اثرگذار است و هم رشد و تعالی جامعه در فرد؛ و همچنین در مورد انحطاط و ابتدال، چنین رابطه دوسویه‌ای بین آن دو برقرار است.

۳. جن، ۱۶.

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ ...؛

شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که پدیدار گشته‌اید
(برای اصلاح بشر)...^۱

همچنین، اگر مردم آن جامعه از ارزش‌های اصیل معنوی که تضمین‌کننده نوز و فلاح است، کناره‌گیری کنند و با نوعی بی‌تفاوتی با آن برخورد نمایند، و تسلیم‌غرایز و تمایلات نفسانی شده و کفر و ناسپاسی را بر بوی خوش زندگی خویش قرار دهند، در این حالت، موجبات مذلت و دنائت سقراط، هبوط خود و جامعه خود به «أَسْفَلَ سَافِلِينَ»^۲ را فراهم، و در حقیقت به خود ستم کرده‌اند؛ در چنین شرایطی، با از دست رفتن نعمات مادی و معنوی سرپرست جامعه به نحو نامطلوبی رقم خواهد خورد^(۱):

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ بَوَّأْنَاهُمْ يَوْمًا يَظْلِمُونَ؛

خداوند به آنان ستم نمی‌کند، ولی آنان خود به خویشان ستم می‌کردند.^۳

در این نوشتار قصد بر این است که با بینشی منطقی مدیر پیشرفت

۱. آل عمران، ۱۱۰ (ترجمه استاد الهی قمشاهی).

۲. ثُمَّ رَدَّ ذُنُوبَهُمْ وَأَسْفَلَ سَافِلِينَ: سپس او را به پایین‌ترین مرحله بازگرداندیم. (تین، ۵)

۳. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ قَضَىٰ حَتْمًا لَا يَنْعَمُ عَلَىٰ عَبْدٍ نِعْمَةً فَسَلْبُهَا إِيَّاهُ قَبْلَ أَنْ يَحْدِثَ الْعَبْدُ ذَنْبًا يَسْتَوْجِبُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ سَلْبَ تِلْكَ النِّعْمَةِ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبِضُ مَا يَقْبِضُونَ حَتَّىٰ يَغْفِرُوا مَا بَيْنَهُمْ»؛ همانا قضای حتمی خداوند بر این تعلق گرفته است که نعمتی را که به بنده‌ای تفضل نموده است، سلب نفرماید، مگر اینکه آن بنده گناهی مرتکب شود که به موجب آن مستحق سلب نعمت شود. (تفسیر عیاشی، جلد ۲، ص ۲۰۶)

۴. عنکبوت، ۴۰.

و تعالی و همچنین رکود و اضمحلال یک جامعه اسلامی، در دو بُعد مادی و معنوی و در حد توان، طرح‌ریزی شود، به‌صورتی که فهم آن برای همگان میسر بوده و افراد جامعه بتوانند با اتکاء بر مصادیق عینی آن، که همان آیات و روایات استفاده شده است، مسیر حرکت خود را شناسایی کرده و با رسیدن به نوعی خودآگاهی^۱، دیگر افراد را نیز با خود همراه کنند و در جریان تعالی تکاملی هستی خویش قرار بگیرند و بدون توجه و تیرگی از کثرت مخالفان و قلت موافقان، و تنها با اتکاء بر روح توحیدی هدایت خود - که قدرت دفع غیر را دارد - به راه خود اطمینان داشته باشند. چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید:

وَاسْتَوُوا مِنَ الْحَيَّةِ لِأَنْتُمْ حُجُوفُهَا لِقَلْبَةِ أَهْلِهَا؛

راه‌های خیر را پیدا کنید در طی طریق از کمی رهروان مه‌رسانید.^۲

چراکه این طبیعت انسان است که از تغییر وضعیت خود بیزار است و ناآگاهانه به مخالفت و مخاصمت با حق - حقیقت می‌پردازد:

بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ.

اما بیشتر آنان حق را نمی‌دانند و به‌همین دلیل (از آن) روی برمی‌گردانند.^۳

مطالبی که مطرح خواهد شد، متضمن نظریات چند سراسر از احادیث گران اسلامی نظیر امام خمینی، دکتر شریعتی، شهید مطهری، علامه طباطبایی،

۱. رسیدن به خودآگاهی اولین و ضروری‌ترین گام در ادراک، کنترل و تغییر همه چیز است؛ تا بدانجا که طبق گفته دکتر شریعتی، «پیروزی قبل از خودآگاهی، خود، آغاز فاجعه است.»

۲. بحارالانوار، جلد ۷۵، ص ۶۰.

۳. انبیاء، ۲۴.

علامه اقبال لاهوری، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ... است که به حق، نقش به‌سزایی در بازخوانی، بازشناسی و بازنگری دین در تاریخ معاصر داشته‌اند. این افراد، با ارائه نظریات گوناگون در باب بازخوانی صحیح و بدون قصد و غرض و وارسته از هرگونه پیش‌فرض غیراصولی و بدون هرگونه پیش‌داوری در باب معارف اسلامی و پالودن آنها از خرافات و رسوبات ذهنی و با مطرح ساختن دوباره مسئله حیاتی «بازگشت به خویشتن»، نقش اساسی در تشکیل چهارچوب فکری این نوشتار دارا می‌باشند. البته در زارد گوناگونی برای تعمیق مطلب و روح بخشیدن به آن و بیان اهمیت موضوع از مصادیق قرآنی و روایی متعددی بهره برده شده است؛ چراکه موضوع بازگشت به خویشتن را می‌توان به وضوح از منابع و مصادر اصیل اسلامی استنتاج کرد.

در پایان این پیشگفتار، به پاس «... ان عَلَّمَنِي حَرْفًا، قَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا»، بر خود لازم می‌دانم که از استاد علی‌اکبر اعظمی، آموزگار همیشگی خود؛ صاحب نظریه شگرف انرژی متراکم زمان و مکان، کتاب‌های کم‌نظیر کلام نهایی شریعتی، روش‌های گوناگون شناخت اسلام، حساب فلسطینی، شکوفه‌های سیاه و...؛ همو که چون شمع در میان علم دوستی و حقیقت‌طلبی شاگردان، فضای موهوم و مشوش تفکراتم را، آرزوش الفبای تفکر شیعی، پرتوافکن ساخت و نیز با ارائه نظریات ارزشمند در سیر تألیف این کتاب، سهمی بزرگ در آماده‌سازی و چاپ این اثر داشته است، تشکر و قدردانی کنم.

۱. هر کس حرفی به من بیاموزد، مرا مطیع و بنده خویش ساخته است (روایتی منسوب به علی علیه السلام، مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، جلد ۱، ص ۳۲۱).